



## کشف تفسیر شخص از الگوی فردی پوشش

در این پژوهش که توسط پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شده است با ۲۹ خانم کم‌حجاب مشهدی مصاحبه عمیق صورت گرفته است.

پس از کدگذاری و تحلیل داده‌ها محققین دریافتند هر مشارکت‌کننده برای پوشش خود در مقابل مردان یک طیف پوششی دارد که کم‌ترین و بیشترین پوشش وی را مشخص می‌کند. این طیف عموماً از عوامل شخصی و فردی و مواضع هر مشارکت‌کننده شکل گرفته و جنس آن فردی است. نگرش به حجاب شرعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مواضع می‌تواند نقطه کمترین میزان پوشش فرد در مقابل مردان را جلو یا عقب ببرد. به میزانی که حجاب شرعی در فرد درونی شده باشد تبدیل به حس درونی می‌شود که فرد را از کمتر کردن پوشش خود وا می‌دارد.

در برخی از مشارکت‌کنندگان، حجاب به معنای شرعی آن اهمیت نداشته و درونی نشده بود و یا معنایی دیگر پیدا کرده که این افراد عموماً بر اساس حس درونی و کنترل درونی، حداقل حجاب خود را تنظیم می‌کرده‌اند؛ این حس شخصی خود عوامل و دلایلی داشته است. اصل ذهنی هر فرد در مورد اینکه آیا اصل را بر پوشیدگی می‌گذارد و یا بر عریانی مهم‌ترین نقش را در موضع فردی ایفا می‌کرده است. منطق پاسخگویی برخی مشارکت‌کنندگان بر این مبنا بود که چرا پوشش خود را کاهش می‌داده‌اند (اصل بر پوشیدگی) و برخی دیگر بر این مبنا که چرا باید پوشش خود را بیشتر کنند (اصل بر عریانی).

ویژگی‌های شخصیتی نیز از دلایل بسیار مهم در شکل‌دهی به کنترل درونی بوده است. برخی از مشارکت‌کنندگان همچنین به انتخاب شخصی بر اساس عقلانیت فردی نیز اشاره کرده بودند. جامعه‌پذیری، اثرپذیری از خارج از کشور و تلقی از اکثریت افراد جامعه و ... از علت‌های ایجادکننده حداقل‌های پوشش و طیف مورد نظر پوششی بوده است.

پوشش مشارکت‌کنندگان با توجه به برخی عوامل در زمان‌ها و شرایط مختلف بر روی این طیف پوشش قرار می‌گیرد. این عوامل عموماً از جنس تناسب اجتماعی بوده و به شدت تحت تاثیر جامعه، تلقی اکثریت افراد جامعه و دیگران حاضر در موقعیت است. در این بین مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در قرار گرفتن فرد بر روی هر کدام از نقاط طیف پوششی تناسب با موقعیت است. فرد در هر کدام از موقعیت‌های رسمی، دانشگاهی، شغلی، خیابان، تفریح، مهمانی زنانه، مهمانی مختلط و ... پوششی متناسب با همان موقعیت را انتخاب می‌کند. حاضرین، نوع نگاه آنان، خرده‌فرهنگ و هنجارهای آنان، سطح اقتصادی-اجتماعی آنان و ... نیز از عواملی بوده که در انتخاب پوشش اثر جدی داشته است.

محدودیت‌های هنجاری و قانونی از دسته عواملی بوده است که فرد با توجه به آن حداقل‌های خود را تنظیم می‌کرده است. اما نکته مهم آن است که به غیر از فضاهای رسمی، هنجار ثابتی برای پوشش زنان در دیگر موقعیت‌ها وجود ندارد. این موضوع را می‌توان در برداشت‌های مختلف مشارکت‌کنندگان از هنجارهای مکان، معنای زیبایی، تلقی از اکثریت جامعه، تلقی از دیگران تعمیم‌یافته، برداشت از ذهنیت مردان و ... مشاهده نمود. در واقع نبود هنجار تثبیت‌شده به علاوه برداشت‌های اختلافی از امور اجتماعی موجب شده است، نوع پوشش خانم‌ها با پراکندگی و چندگانگی در مصادیق مواجه باشد. این موضوع در معنای برداشت شده از پوشش افراد در نزد دیگران نیز اختلال جدی به وجود می‌آورد است؛ برای مثال یک پوشش مشخص در حالی که در نزد یک خانم

زیبا بوده در نزد خانم دیگری معنای روسپی‌گری را به همراه داشته است. خانم‌ها در مقابل این برداشت‌های متفاوت و غلط از پوشش خود، مکانیزمی را فعال می‌کنند که بر اساس آن سعی دارند اهمیت نظرات دیگران را برای خود کم کرده و عضو شبکه‌ای افراد باشند که پوشش‌شان را تایید کند. در واقع، دیگری مهم و دیگری تعمیم یافته خود را تغییر می‌دهاند.

خانم‌ها در موضوع کم‌حجابی عموماً با توجه به موج اجتماعی و یا متأثر از گفت‌وگوهای غربی و غیراسلامی، اقدام کرده و حجاب خود را کنار می‌گذاشته‌اند. اما در سیستم روانی خود نیز، مواضع خود را به تبعیت از رفتارشان، تغییر می‌دهند؛ گرچه در برخی مواقع تغییر در نگرش مقدم بر تغییر رفتار بوده است. مبدا تغییر رفتار در آغاز اجتماعی بوده و کم‌اهمیت شدن حجاب در ذهن فرد و برداشت وی از اکثریت افراد جامعه بستر این تغییر رفتار، در درون فرد بوده است. این خانم‌ها پس از تغییر رفتار، نگرش خود نسبت به حجاب را نیز به تناسب رفتار تغییر می‌دهند که مهم‌ترین کد مربوط به آن «حجاب بدون کارکرد» است. به بیان دیگر خانم‌ها «باحجاب بودن» را در عرصه اجتماعی و در عرصه فردی دارای اثر مفید نمی‌دانسته‌اند برای اثبات این نکته خود ادله‌ای داشته‌اند. آنان نسبت به امر الهی و کارکردهای اخروی حجاب نیز به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه بی‌توجه بوده‌اند. شیوه خودآگاهانه معمولاً بازتعریف حجاب در معنا یا تغییر در حدود ظاهری رعایت حجاب بوده است.

متن کامل این گزارش در پیوند زیر قابل مطالعه است.

متن کامل گزارش «کشف تفسیر شخص از الگوی فردی پوشش»، غلامرضا صدیق اورعی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات